

اعترافات ژنرال:

ملاقات من و مهندس بازرگان

ارتشبد عباس قره‌باغی

هم در این جلسه حضور داشته باشید.

«شب دوشنبه وقتی از ستاد به منزل رسیدم، انومبیل حامل آقای بازرگان و مامورین ساواک مقابل درب منزل متوقف بودند. هم‌زمان با من سپهبد مقدم هم رسید. وقتی وارد دفتر شدم، آقای مهدی بازرگان و یدالله سحابی (یکی از نزدیکان مهندس بازرگان) اظهار کردند که چند دقیقه است وارد شده‌اند. آقای بازرگان بعد از چند دقیقه صحبت درباره‌ی دولت‌های سابق و شکایت از نبودن آزادی‌ها و محدودیت‌های گذشته اظهار داشت: «تیمسار! وضعیت مملکت را ملاحظه می‌کنید، چند ماه است که بازار، دانشگاه، دبیرستان‌ها، دبستان‌ها، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، وزارت‌خانه‌ها و ادارات تعطیل بوده و کلیه‌ی کارمندان هفته‌ی یک روز بیش‌تر کار نمی‌کنند، کارمندان و کارگران شرکت نفت در اعتصاب و مردم در این سرمای زمستان از لحاظ سوخت در مضیقه هستند. این وضعیت تا به کی باید ادامه داشته باشد؟ جواب دادم تمام این مطالب که گفتید به دولت مربوط می‌شود و به‌طوری که نخست‌وزیر می‌گوید: مرتباً با شما و سایرین و نمایندگان آقای خمینی در تماس و مشغول مذاکره می‌باشم، نیروهای مسلح هم برابر مقررات حق دخالت در سیاست را ندارند، به‌طوری که چندین بار گفته‌ام ارتش از دولت قانونی پشتیبانی می‌نماید! و شما این مسائل را بایستی با نخست‌وزیر مذاکره کنید! آن‌ها در جواب گفتند: «تیمسار می‌بینید» هر روز در تظاهراتی که در تهران و شهرستان‌ها صورت می‌گیرد، تعدادی از

□ روز ۹ بهمن ۱۳۵۷، سپهبد مقدم معاون نخست‌وزیر به دفترم آمد اظهار نمود: آقای مهندس بازرگان از تیمسار تقاضای ملاقات می‌نماید. گفتم: تیمسار در جریان مذاکرات ژنرال هایزر هستید که قبلاً چنین پیشنهادی نمود، ولی من به‌علت بی‌نتیجه بودن ملاقات آن را نپذیرفتم. اظهار داشت با توجه به وضعیت فعلی دولت و مملکت به نظر خوب است که تیمسار ایشان را بپذیرید و ببینید که چه می‌خواهد. گفتم: خیلی خوب، نخست‌وزیر را می‌بینم و موضوع را با ایشان مطرح می‌کنم، ببینم نظرشان چیست؟ در وقع ملاقات با آقای بختیار، اظهار کردم، آقای مهندس بازرگان توسط سپهبد مقدم تقاضای ملاقات با من را نموده است. اظهار نمود خیلی خوب است، ملاقات بکنید. گفتم: به‌طوری که می‌گفتید خود شما با ایشان در تماس هستید، اظهار داشت فکر می‌کنم این ملاقات مفید باشد، ببینیم به تیمسار چه می‌گویند. ضمناً اضافه کرد، پشتیبانی ارتش از دولت را تاکید نمایید. در کمیته‌ی بحران، تقاضای آقای بازرگان و نظر آقای بختیار را مطرح کردم. پس از بحث و بررسی با تقاضای آقای بازرگان موافقت و قرار شد این ملاقات در منزل من صورت بگیرد. به سپهبد مقدم گفتم: به‌علت گرفتاری‌های ستاد بزرگ بهتر است زمان ملاقات بعد از خاتمه خدمت و عصر باشد. فردای آن روز سپهبد مقدم تلفن زده اظهار کرد، تیمسار روزی را تعیین کنید تا ترتیب ملاقات داده شود. شب دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۵۷ را برای ملاقات تعیین نموده و به‌علت آشنایی وی با مخالفین اظهار کردم که تیمسار

طرفین کشته می‌شوند، راه‌پیمایی چند میلیونی را که ملاحظه می‌کنید، ملت ایران متفقاً خواستار جمهوری اسلامی هستند، ما می‌خواهیم از تیمسار سوال کنیم تا کی باید این خون‌ریزی‌ها ادامه پیدا کند. سپهبد مقدم اظهار کرد: «واقعاً با مشکل عجیبی روبه‌رو هستیم. به نظر من باید توجه بشود که آیا قانون برای مردم است یا مردم برای قانون؟»

من از آقای بازرگان سوال کردم: آیا شما خدمت وظیفه را انجام داده‌اید؟ جواب داد: بلی، افسر مهندس بوده‌ام. اظهار داشتیم در پایان دوره‌ی آموزشی برای افسر شدن یک مراسمی وجود دارد که حتماً فراموش ننموده‌اید، شما در آن مراسم در پیشگاه خداوند به قرآن و پرچم سوگند یاد کرده‌اید که حافظ قانون اساسی باشید. اظهار نمود: بلی صحیح است.

اضافه کردم: من و تمام افسران، درجه‌داران و افراد و همه‌ی پرسنل نیروهای مسلح این سوگند را یاد کرده‌ایم و نسبت به سوگند خودمان وفادار هستیم و نمی‌توانیم برخلاف آن عمل کنیم. آقای یدالله سحابی اظهار نمود: پس به ملت ایران که یکپارچه خواستار جمهوری اسلامی هستند، چه جوابی می‌دهید؟ گفتم: تمام پرسنل نیروهای مسلح، ایرانی و جزء ملت ایران هستند و امروز در حدود ۷۵ درصد ارتش را افسران، درجه‌داران و سربازان وظیفه تشکیل می‌دهند که همه‌ی آن‌ها همین سوگند را یاد کرده‌اند و مطمئن هستم به سوگند خود وفادار هستند و اظهار کردم: همان‌طور که گفته‌ام، ارتش از دولت قانونی پشتیبانی می‌نماید و آقایان این مطلب باید با دولت مذاکره کنید. در این موقع آقای مهندس بازرگان به نخست‌وزیر تلفن کرد، پس از اشاره به پایان مذاکرات خود با من، با آقای بختیار قرار ملاقات گذاشتند و اظهار نمود جریان مذاکرات را در موقع ملاقات تعریف خواهد کرد. سپس منزل را ترک نمودند. (اعترافات ژنرال، خاطرات ارتشبد قره‌باغی، صص ۲۲۸-۲۳۱) ■